

## به اسارت کشاندن امیر عبدالرحمن هزاره ها را

به حیث امیر جدید، عبدالرحمن تصمیم گرفت که هزاره جات را تحت کنترل خود درآورد. بعد از روبرو شدن با مقاومت هزاره ها، شروع به کمپاین های زیادی همراه با جنایات و قتل های نژادی کرد.

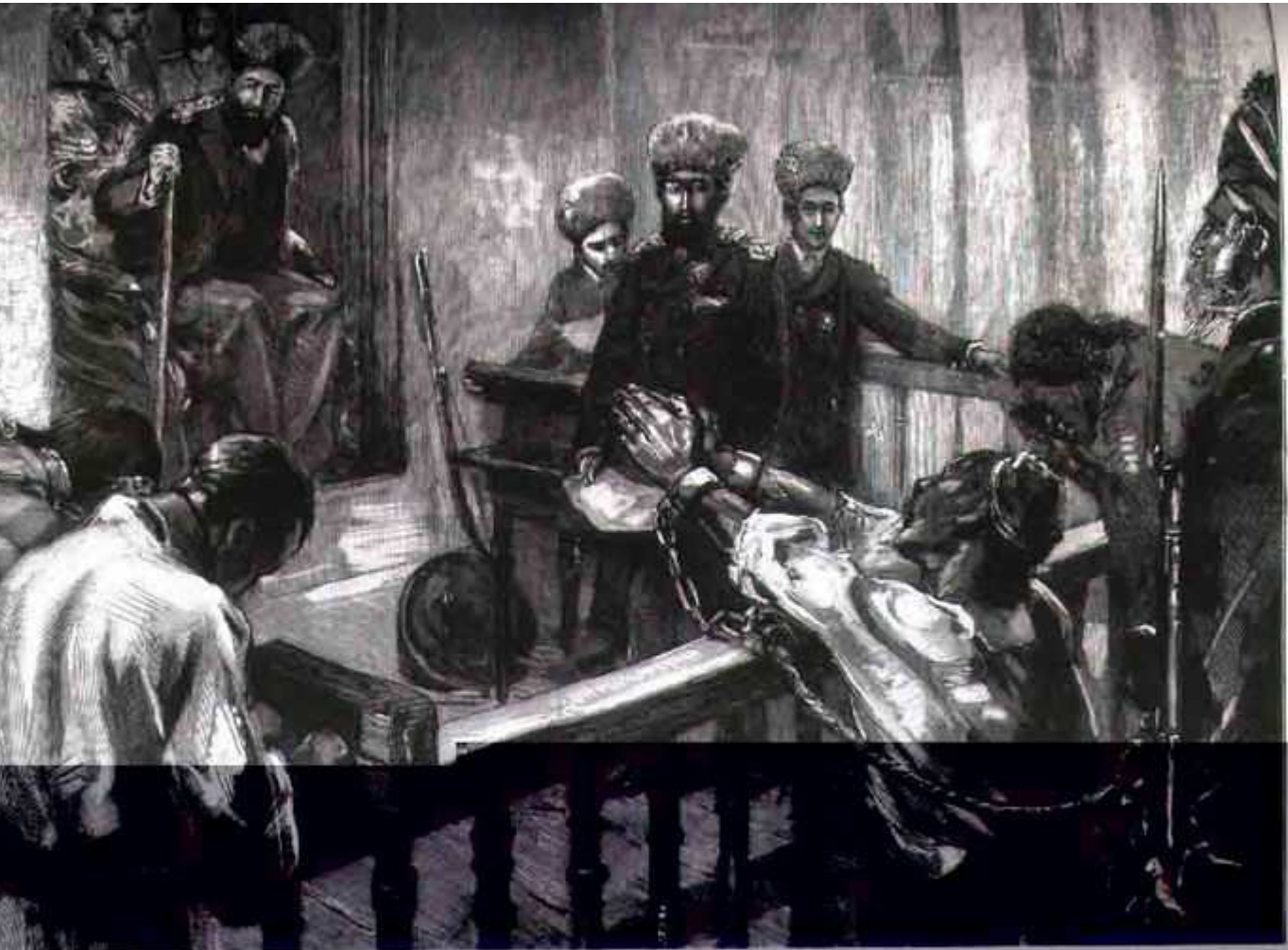
قسمت جنوبی هزاره جات نسبت قبولی حکومت عبدالرحمن، مصون ماند در حالیکه بخش های دیگری از هزاره جات، عبدالرحمن را قبول نکردند و از کاکا یش امیر شیر علی خان پشتی بانی کردند، در نتیجه جنگ به وقوع پیوست.

اولین قیام هزاره ها در سال 1888 بود. بچه کاکای عبدالرحمن، محمد اسحاق برضد وی طغیان کرد و هزاره ها به این طغیان پیوستند. این طغیان زیاد دوام نکرده و سرکوب شد، و قتیکه امیرسلطه خود را در ساحه وسیع هزاره جات توسعه داد. مالیات سنگین وضع کرد، کارمندان پشتون را فرستاد، این کارمندان مردم را مورد توهین و آزار قرار دادند، مردم را خلع سلاح کردند، قریه ها را تاراج کردند، سرکرده های قومی محل را یا به زندان و یا به قتل رساندند و بهترین زمین ها را مصادره و به پشتون های کوچی دادند.

قیام دیگر در سال 1892 واقع شد. علت قیام تجاوز جنسی 33 عسکرافغان به زن یک سرکرده هزاره بود. عساکر به بهانه تلاشی سلاح به خانه سرکرده داخل شده و به زنش در حضور وی تجاوز کردند، فامیل های این سرکرده هزاره و خانمش به انتقام گیری از این بی حرمتی عساکر را کشته و به گارنیزون محلی حمله و سلاح های خود را دوباره تصاحب کردند. بسیاری از سرکرده های قومی که طرفدار عبدالرحمن بودند از او روگردان شده و به قیامیکه به سرعت سرتاسر هزاره جات را در بر میگرفت، پیوستند، در جواب این شورش، امیر اعلام "جهاد" برضد شیعه ها صادر و 40.000 عسکر پیاده، 10.000 سواره، 100.000 مسلح ملکی (اکثر آنها پشتونهای کوچی) را بسیج کرد، همچنان مشاورین نظامی انگلیسی را جهت کمک به لشکر شامل کرد.

این لشکر بزرگ شورش را در مرکز آن، یعنی در ارزگان در سال 1892 شکست داد، باشندگان محل را به شکل فجیبهی به قتل رساندند. قرار نظر موسوی

هزاران مرد، زن و اطفال هزاره به قسم غلام در بازارهای کابل و قندهار فروخته شد، کله منارهایی از جمجمه انسانها بنا کردند.



Rahman verurteilt Hazara-Gefangene / aus: *The Graphic*, 4. November 1893

در جواب این سرکوب وحشیانه، هزاره ها در اوئل سال 1893 دوباره طغیان کردند. این قیام قوای دولتی را غافل گیر کرده و هزاره ها داشت اکثر مناطق هزاره جات را دوباره آزاد میکردند ولی باگذشت ماهها جنگ ، نسبت کمبود مواد غذایی، به شکست مواجه شدند. مقاومت های کوچک تا آخر سال دوام کرد، درین مدت لشکر حکومت مرتکب جنایات بر افراد ملکی شده و قریه هارا کوچ اجباری دادند.

در آن مدت، عبدالرحمن با ستم بر مردم هزاره، نفرت عمیقی بین پشتون ها و هزاره ها خلق کرد که سال ها دوام داشت، بیجا کردن بزور، مخصوصا در ارزگان و دایچوپان را دوام داد ، زمین های شانرا را مصادره و خود شانرا بیرون راند، ویا مجبور به فرار کرد. حدود 15.000 فامیل به شمال افغانستان فرار کردند ،مشهد ایران، کوئته پاکستان ، وحتی به آسیای مرکزی. تخمین زده میشود که نصف نفوس هزاره ها در جریان کمپاین عبدالرحمن کشته و بیجا شدند. هزاره ها مجبور میشدند که دارائی خود را به

پشتون ها بدهند ، در نتیجه هزاره ها خانه های خود را ترک کرده به شهرهای بزرگ افغانستان، ایران، پاکستان رجوع میکردند تا کارو عائدی بدست آورند. حال جمعیت بزرگی از هزاره ها در شهر کویته پاکستان و اطراف آن سکونت دارند.

در سال 1901، حبیب الله خان جانشین عبدالرحمن اعلان امنستی برای تبعید شده گان کرد. لاکن جدائی بین دولت افغانی و مردم هزاره چنان توسط عبدالرحمن عمیق شده بود که باعث تبعیض اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دوام دار الا قرن 20 شد.

عدم اعتماد دولت مرکزی به هزاره ها ، قیام های محلی را بار آورد. مخصوصا در سال 1940، در دوره حکومت ظاهر شاه، مالیه جدیدی تنها بر هزاره ها وضع شد. در حالیکه پشتون های کوچی نه تنها از مالیه معاف بودند بلکه اجازه هم حاصل کردند. شورش برپا شد، شورشیان خشمگین شروع به کشتن و گرفتن دفاطر دولتی کردند. به حواب آن حکومت مرکزی قوای برای سرکوب شورشیان فرستاده و بعدالین حادثه آن مالیه را لغو کرد

منبع ویکی پدیا

ترجمه از متن انگلیسی توسط انجنیر برات فرهید